

از باغ دلگشا تا میدان هشت گنبد



اردشیر آل عوض



محمود منبئی



عباس حسینی



نصرالله حدادی



هما یون عبدالرحیمی

تاریخی حسن آباد؛ کوچه منشی باشی و کوچه و کیل الدوله تا کوچه حمام برق که با هویت و تاریخچه این محله پیوندی ناگسستنی دارند. مطالب این پرونده حاصل بیست و ششمین تور مرکز تهران پژوهی همشهری است که با عنوان «برسه در حوالی میدان هشت گنبد» با حضور تهران پژوهان محمود منبئی، اردشیر آل عوض، نصرالله حدادی، عباس حسینی و هما یون عبدالرحیمی برگزار شد.

محله‌ای که امروز به نام حسن آباد معروف است، روزگاری باغی سرسبز و دلگشا بود در همسایگی محله کهن سنگلج. حسن آباد نیز مانند دیگر محله‌های تهران در مسیر توسعه، ماجراهای بسیاری را از سر گذراند؛ از تبدیل باغ سرسبز بسز میرزا یوسف آشتیانی به چهارراه و سپس میدان مدرن حسن آباد، تا میزبانی از نخستین ایستگاه آتش‌نشانی تهران، نخستین مدرسه دخترانه ایران، نخستین ثبت احوال ایران و خانه‌ها و عمارت‌های رجال و موزه‌های بسیار. در این شماره از همشهری محله روایت‌هایی خواندنی داریم از کوچه‌های

۴ عمارت متقارن در ۴ گوشه میدان حسن آباد



- موضوع: معماری میدان حسن آباد
- ویژگی: هشت گنبد با نمایی متقارن

حسن آباد را به عنوان متقارن ترین میدان پایتخت و بخشی از بافت تاریخی و سنتی تهران دوره قاجار می‌شناسند. نصرالله حدادی، تهران شناس، روایتی خواندنی از ساخت این میدان دارد: «یکشنبه، هفدهم آذرماه سال ۱۲۴۶، به دستور ناصرالدین شاه قاجار، برج و بارو و دروازه‌های چهارگانه شاه‌طهماسبی تخریب شد تا خندق و دروازه‌های ناصرلی شکل بگیرد. طهران در آن روزگار ۴ محله (سنگلج در غرب، بازار در جنوب، چال میدان در شرق و عودلاجان و پامنار در شمال) داشت. تهران از ۳ سوی جنوب، شرق و غرب قریب به هزار ذرع (هر ذرع ۱۰۴ سانتی‌متر) و در شمال ۱۲۰۰ ذرع گسترش یافت و بخشی دیگر از اراضی میرزا یوسف آشتیانی، ملقب به مستوفی الممالک، داخل اراضی پایتخت قرار گرفت. اراضی او اندکی بالاتر از محله سنگلج آغاز می‌شد و تا آب کرج ادامه داشت. امروز محله بهجت آباد که به نام یکی از منسوبان اوست، یادگاری از آن روزهاست و هنوز هم خانه‌باغی در همان حوالی نشان از آن محله قدیمی دارد.» حدادی ادامه می‌دهد: «پس از اعلان انقراض حکومت قاجار در نهم آبان ۱۳۰۴، حکومت جدید نوسازی تهران را آغاز و در سال‌های ۱۳۰۶ تا ۱۳۰۹، تهران چهره عوض کرد. ابتدا تاروس‌ها و ریل‌های خطوط گاری آسبی، طی یک شبانه روز، در سال ۱۳۰۶ جمع و سپس کار ساخت‌وساز آن آغاز شد.»

از بین رفتن است. «گفته می‌شود در ساختن بخشی از بنا، میرزا علی خان مهندس نیز مشارکت داشت. او هم مانند علی محمدخان صناعی و حسین لرزاده از جمله معماران مورد علاقه پهلوی اول بود. این بنای زیبا که قرینه‌ای در شهر همدان دارد. دوبار مورد انهدام قرار گرفته است؛ یکبار از جبهه جنوب شرقی که یکی از گنبد‌های آن را با کلیسای تمام در سال ۱۳۵۴ تخریب کردند و به جای آن عمارتی شیشه‌ای ساختند و بار دیگر نیز بعد از آتش‌سوزی سمت شمال غربی که متأسفانه بخشی کامل از این قسمت بنا کاملاً از بین رفت و هنوز هم بازسازی نشده است.

این تهران پژوهی تعریف می‌کند: «بنا به طراحی لئون تادوسیان، یکی از طراحان و معماران بنام آن روزگار که در ساخت‌وساز کاخ مرمر نیز مشارکت داشت، چهارراه تنگ و باریک محدوده حسن آباد، به میدان تبدیل و در چهارسوی این میدان و بر سر راه خیابان‌های شاپور (با اسامی قدیمی قوام‌الدوله، فرمانفرما، و چهل گزی) و مریضخانه احمدشاهی (سپه) چهار عمارت مدور و هم‌شکل با هشت گنبد توسط معمار «قلیچ باقلیان» ساخته شد. همچنین قرینه‌سازی به سبک باروک در این میدان از جمله شاخصه‌های آن بود که متأسفانه به مرور زمان با دست‌اندازی، تخریب و آتش‌سوزی در حال

باغ در نداشت میرزا یوسف عوض می‌شود



- موضوع: تاریخچه و حدود محله حسن آباد
- ویژگی: نام‌های متفاوت یک میدان

محله حسن آباد روزگاری باغی سرسبز و دلگشا بود در همسایگی محله سنگلج. تاریخچه حسن آباد سرسبز آن روزگار با نام خاندان مستوفی الممالک و به عبارت دقیق‌تر، میرزا یوسف مستوفی الممالک و فرزندش گره خورده است. هما یون عبدالرحیمی، تهران پژوهی، در این باره می‌گوید: «شکل‌گیری محله حسن آباد به اواخر دوران ناصرالدین شاه قاجار برمی‌گردد. میدان حسن آباد کنونی و بخش‌هایی از محله‌ای که امروز به نام حسن آباد می‌شناسیم جزو باغ‌های میرزا یوسف مستوفی الممالک، صدراعظم دوران قاجار بود؛ محله یوسف‌آباد تهران نیز نام خود را وامدار اوست. میرزا یوسف آشتیانی یا همان یوسف مستوفی الممالک، دست توانایی در آباد کردن بسیاری از مناطق تهران و تبدیل اراضی بایر و ناهموار به باغ‌داشت؛ املاکی که بعدها پس از آبادانی، به تدریج در دوره‌های مختلف توسعه تهران وارد مناطق شهری شد و اکنون بسیاری از آنها از جمله محله‌های تهران محسوب می‌شوند. برخی از این محله‌ها امروز در محدوده منطبق قرار دارند، از جمله محله یوسف‌آباد که به نام خود او و نیز محله بهجت آباد که به نام دخترش معروف است. محله حسن آباد نیز از املاک این رجل سیاسی بود که پس از آبادانی به نام پسرش حسن آباد نام گرفت.»

عبدالرحیمی درباره حدود و ثغور حسن آباد می‌گوید: «این محله روزگاری از ضلع شمال به قبرستان حسن آباد محدود می‌شد. سمت شرق این محله به محدوده کنونی بیمارستان سینا که نخستین بیمارستان به سبک اروپایی ایران است منتهی می‌شد. این محله از ضلع غرب به خیابان ولیعصر (عج) یا همان محدوده باغ‌شاه می‌رسید.» پس از فوت میرزا یوسف آشتیانی، باغ وسیع این محدوده به قطعات کوچک‌تر تقسیم شد و به فروش رسید. در دوران پهلوی اول، سرتیپ کریم‌آقا بودرحمیری، شهردار وقت تهران، این چهارراه را به میدانی مدرن تبدیل کرد. میدان کنونی حسن آباد اگرچه نخستین نامش حسن آباد بود، اما در طول تاریخ اسامی مختلفی داشته است. عبدالرحیمی می‌گوید: «میدان حسن آباد در همان سال‌های نخست شکل‌گیری، به این دلیل که هشت گنبد در چهار سوی خود داشت به «میدان هشت گنبد» معروف شد. پیش از پیروزی انقلاب اسلامی نیز مدتی این میدان را «میدان پهلوی» می‌نامیدند و پس از انقلاب نیز مدتی به نام «میدان ۳۱ شهریور» شناخته می‌شد.»

نامه استعفای رضاشاه زیر این سقف امضا شد

- موضوع: خانه محمدعلی فروغی، نخست‌وزیر پهلوی
- ویژگی: اسناد زیادی درباره تحولات سیاسی ایران و مسائل و سیاست خارجی، اینجا کشف شده است.

میدان حسن آباد، نرسیده به خیابان ولیعصر (عج) خانه‌باغی را در خود جای داده بود که شاهد یکی از مهم‌ترین اتفاقات تاریخی بوده است. ماجرا مربوط به روزی است که رضاشاه معوموم و وحشت‌زده از حضور روس‌ها در تهران به خانه محمدعلی فروغی پناه برد و از او راه چاره طلبید. اکنون دیگر اثری از خانه‌باغ محمدعلی فروغی یا همان ذکاءالملک دربار قاجار و بعدها دربار پهلوی نیست و جای آن ساختمانی جدید که تابلوی «اداره کل آزمایشگاه کنترل دارو و غذا» روی آن نصب شده دیده می‌شود. خانه فروغی در نزدیکی خانه رضاشاه بود؛ یعنی در حوالی کاخ مرمر. نصرالله حدادی، تهران پژوهی، می‌گوید: «رضاشاه عادت داشت زمستان در کاخ مرمر می‌ماند و تابستان از ۱۵ خرداد تا ۱۵ شهریور به کاخ سعدآباد می‌رفت. از همسایه‌های معروف او در کاخ مرمر ذکاءالملک بود، اما به دلیل یک واقعه تاریخی میانه او و شاه چندان خوب نبود. این دلخوری از ماجرای اعدام محمدولی اسدی، نایب‌التولیه آستان قدس رضوی، شروع شد. اسدی با طرح لباس متحدالشکل برای مردان و به خصوص اجباری شدن کلاه پهلوی بسیار مخالف بود. او سال ۱۳۱۴، پس از واقعه مسجد گوهر شاد مشهد، به همراه گروه دیگری از روحانیون و مدرسین حوزه علمیه مشهد دستگیر و پس از محاکمه در دادگاه نظامی، تیرباران شد. اسدی داماد محمدعلی فروغی بود و در نتیجه، فروغی به حمایت از اسدی برخاست و به دلیل همین حمایت نیز شاه او



را خانه‌نشین کرد. خانه‌نشینی او تاروی که شاه زنگ خانه‌اش را زد و با ترس و اندوه از حضور روس‌ها گله کرد ادامه داشت.»

نصرالله حدادی ماجرای او را روایت می‌کند که باعث شده تا فروغی به‌طور غیرمنتظره در خانه‌اش با رضاشاه دیدار کند و نامه استعفای شاه ایران را با خط خودش بنویسد. حدادی می‌گوید: «وضعیت رضاشاه خوش نبود. شهریور سال ۱۳۲۰ شاه برخلاف هر سال به کاخ سعدآباد نرفت، بلکه در کاخ مرمر ماند. روس‌ها در راه بودند. طبق روایت‌هایی، شاه در خیابان می‌زد که به ناگاه متوجه شد مقابل خانه فروغی است؛ خانه مردی که با خشم و غضب از نخست‌وزیری خلع و خانه‌نشینی‌اش کرده بود. زنگ را می‌زند و نوکر خانه در را باز می‌کند و به صاحب خانه خبر می‌دهد. محسن فروغی پسر محمدعلی فروغی شاه را به اندرونی دعوت می‌کند و بعد از سال‌ها شاه و ذکاءالملک دیدار می‌کنند. شاه خوب می‌دانست که باید برود، ولی دلش می‌خواست از ذکاوت فروغی استفاده کند و راه چاره بجوید. در نهایت فروغی نامه استعفای شاه را نوشت و قرار شد پسر رضاشاه بر تخت حکومت بنشیند. با این حال شاه نگران بود. هنگام بازگشت، در حیاط خانه دخترکی را که مشغول بازی بود به آغوش می‌گیرد و می‌گوید: فروغی، نوه توست؟ جواب می‌شود: بله، البته فرزند محمدولی اسدی نیز هست. فروغی این جمله را به کنایه به شاه می‌گوید و رضاشاه جواب می‌دهد: دیگر وقت گله‌گری نیست.» پایان حکومت رضاشاه از خانه فروغی با دستخط او و در حالی که شاه با ترس و نگرانی به او می‌نگریست رقم خورد. خانه‌ای که بعدها اسناد زیادی از تحولات سیاسی ایران، مسائل و سیاست خارجی در آن کشف شد.

